**فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی**
**سال دوم، شماره ۷، پاییز ۱۳۹۳، صفحات ٥٦-۳۱**

# کنکاشی پیرامون تأثیر برخی متغیرهای کلان اقتصادی بر شکاف درآمدی (هزینه‌ای)

**سیف‌الله اسلامی**
کارشناس‌ارشد اقتصاد (نویسنده مسئول)
eslami@econo.ir

**به‌طور کلی در تمام کشورهای جهان صرف‌نظر از حیطه‌های حاکمیتی و تصدی‌گری دولت‌ها ناگزیر به مداخله در برخی امور می‌باشند. برخی از این مداخلات در حوزه رفاه عمومی و به‌طور خاص در جهت گسترش حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر برای کاهش فاصله طبقاتی و بهبود در توزیع درآمد در جامعه صورت می‌پذیرد. دراین مقاله با استفاده از روش همجمعی اثر برخی متغیرهای اقتصاد کلان بر شکاف درآمدی طی سال‌های (۱۳۹۱-۱۳٤۹) بررسی شده است. بررسی‌های صورت‌گرفته نشان می‌دهند که دستیابی همزمان به اهداف نرخ رشد اقتصادی ۸ درصدی به‌همراه ضریب‌جینی ۰/۳۵ و دیگر شاخص‌های توزیع درآمد در برنامه پنجم توسعه امکان‌پذیر نمی‌باشد، بنابراین پیشنهاد می‌گردد در ترسیم اهداف اقتصادی برای تنظیم برنامه ششم توسعه اقتصادی کشور این موضوع که دستیابی به نرخ رشد اقتصادی بالا به‌همراه کاهش ضریب‌جینی با مشکلاتی مواجه خواهد شد مدنظر قرار گیرد. نتایج به‌دست آمده از برآوردهای همجمعی صورت‌گرفته نشان می‌دهد افزایش متغیرهای تولید ناخالص داخلی سرانه و نرخ تورم شکاف درآمدی در جامعه را بیشتر و افزایش متغیرهای، یارانه سرانه، اشتغال سرانه و مالیات برثروت سرانه شکاف درآمدی را کاهش می‌دهد.**

**طبقه‌بندی JEL:** C13, E25, E60, H24.
**واژه‌های کلیدی:** یارانه‌ها، شکاف درآمدی، شکاف میان گروه‌های درآمدی بالا و پایین، نرخ رشد اقتصادی، نرخ تورم، شاخص ضریب‌جینی.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/٤/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۹/۱۱

[ Downloaded from qjfep.ir on 2026-09-09 ]

## ۱. مقدمه

تاکنون نظریه‌های مختلفی پیرامون عدالت از یونان باستان ارائه شده است و اوایل اغلب جنبه‌های فلسفی عدالت مدنظر قرار می‌گرفت، اما در چند قرن اخیر به‌ویژه از نیمه دوم قرن ۲۰ به بعد مسائل مطرح‌شده پیرامون عدالت گرچه از جنبه‌های فلسفی عدالت غفلت نمی‌شود، اما رنگ و بوی اقتصادی آن بسیار پررنگ شده است. موضوع اساسی در علم اقتصاد تخصیص بهینه منابع محدود است. موضوع محدودیت منابع موجود ارتباط تنگاتنگی با نامحدود بودن تمایلات و خواسته‌های بشر دارد. در علم اقتصاد همانطور که به مسئله تخصیص منابع اهمیت داده می‌شود چگونگی تخصیص منابع نیز از ارزش و اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. موضوع عدالت اقتصادی بخش قابل‌توجهی از مبحث عدالت در جامعه را شامل می‌شود، به گونه‌ای که می‌توان بخش قابل‌توجهی از موضوع عدالت را در عدالت اقتصادی ترسیم نمود.

بسیاری از اقتصاددانان کلاسیک در قرون گذشته معتقد بودند عدم تعادل در بازار به‌وسیله دست نامریی به تعادل باز خواهد گشت، در نتیجه موضوع عدالت کمتر مورد توجه قرار گرفت و اساساً این موضوع را خارج از قلمرو اقتصاد و اموری مربوط به حوزه فلسفه، سیاست یا علوم اجتماعی می‌دانستند، اما در دوران معاصر موضوع عدالت در اقتصاد جای خود را یافته و به‌عنوان اصل کلی که می‌تواند بر کارایی اقتصادی نیز اثر بگذارد پذیرفته شده است.

مطرح شدن موضوع عدالت در اقتصاد به این معناست که اقتصاددانان نگرش سنتی خود به کارایی را تغییر داده و این تغییر ناشی از واقعیت‌های القا شده در اقتصاد و پذیرش این تفکر که در دنیای واقعی نابرابری اقتصادی (شکاف درآمدی) افزایش یافته است اقتصاددانان را مجبور ساخته تحقیقات و مطالعات خود را در زمینه نابرابری اقتصادی (شکاف درآمدی) بسط داده و دغدغه‌های توزیع درآمد را نیز مورد توجه قرار دهند.

در این ارتباط اعمال سیاست‌های حمایتی یکی از سیاست‌های پذیرفته‌شده کشورها در هر سطح از توسعه اقتصادی است. از اهداف مهم برقراری پرداخت‌های انتقالی (یارانه‌ها) در خصوص مصرف، حمایت از طبقات ضعیف جامعه و افزایش رفاه آنان به‌همراه برقراری عدالت اجتماعی و اقتصادی است.

پرداخت یارانه در ایران به اوایل دهه ۱۳۵۰ بازمی‌گردد. افزایش درآمدهای کشور که ناشی از افزایش قیمت جهانی نفت خام به‌دلیل بروز جنگ اسرائیل با مسلمانان بود منابع مالی و ارزهای خارجی بسیاری را به کشور ما منتقل نمود. عدم برنامه‌ریزی کشور پیرامون اتخاذ سیاست‌های مناسب در قبال

[ Downloaded from qjfep.ir on 2026-09-09 ]

تحول فوق حجم زیادی از منابع مذکور از طریق تبدیل ارزهای خارجی به ریال توسط بانک مرکزی و سرازیرشدن نقدینگی ایجاد شده به اقتصاد کشور گروه‌های خاصی از جامعه توانستند از مزایای آن استفاده نمایند، اما مناطق کوچک شهری و روستایی تنها معایب چنین تحولاتی را دریافت نمودند.

این امر سبب ایجاد بی‌عدالتی اجتماعی و اقتصادی (شکاف درآمدی) بین گروه‌ها و مناطق مختلف کشور گردید. عوامل فوق به‌همراه افزایش هزینه خانوارها و دولت، گسترش و تشدید مصرف‌گرایی و عدم توانایی تولید داخلی در پاسخ به تقاضاهای جدید موجبات افزایش قیمت کالاها و خدمات در کشور را فراهم نمود. دولت برای حفظ قدرت خرید طبقات وسیعی از جامعه اقدام به واردات انبوه کالاهای اساسی و پرداخت‌های انتقالی (اعطای یارانه) به برخی از کالاهای اساسی نمود.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و افزایش نقش دولت در اقتصاد این پرداخت‌ها گسترش بیشتری یافت. پدیده‌هایی نظیر افزایش نرخ رشد جمعیت و مهاجرت به شهرها، تغییر ساختار کشاورزی کشور و... منجر به استفاده بیشتر دولت از درآمدهای نفتی، کاهش سهم مالیات‌ها در بودجه دولت، افزایش تعداد خانوارهای فقیر، افزایش بیکاری و تورم در جامعه و در نهایت افزایش بی‌عدالتی اجتماعی و اقتصادی (شکاف درآمدی) در برخی سال‌ها در ۴ دهه گذشته را در جامعه فراهم ساخته است.

بر اساس نظریات کوزنتس کشورهایی که در سطوح پایین تولید قرار دارند (با فرض ثابت بودن عوامل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و...) با افزایش تولید با بدتر شدن توزیع درآمد مواجه خواهند شد. به عبارت دیگر، افزایش تولید در این کشورها توزیع درآمد را نامناسب‌تر می‌نماید و کاهش تولید منجر به بهبود توزیع درآمد خواهد شد.

نظریات مختلف و بعضاً متناقضی در زمینه عدالت اجتماعی و اقتصادی (توزیع درآمد) وجود دارد. به‌طور کلی، بر اساس نظریه بازار رقابت کامل در پروسه حداکثر نمودن سود در تولید کالا و خدمات هر عاملی از تولید سهمی از تولید را به‌دست می‌آورد. با تأکید بر این مسئله بسیاری بر این باورند که با رشد تولید وضعیت عدالت اجتماعی و اقتصادی (شکاف درآمدی) نیز در بلندمدت بهبود می‌یابد، بنابراین با عنایت به بروز انحصارات و به‌کارگیری شیوه‌های نوین در تولید کالاها و خدمات به‌نظر نمی‌رسد که شیوه فوق بتواند در کوتاه‌مدت کارساز باشد. از آنجایی که عدالت اجتماعی و اقتصادی یکی از آرمان‌های متعالی انسان بوده امروزه این موضوع به یکی از اهداف مهم سیاسی، اقتصادی و اجتماعی برای دولت‌ها تبدیل شده است.

[ Downloaded from qjfep.ir on 2026-09-09 ]

مطالعات انجام‌شده در زمینه عدالت و نابرابری به‌صورت جدی در کشورهای مختلف عمدتاً پس از جنگ جهانی دوم آغاز شد و در آغاز دهه ۱۹۷۰ گسترش و ابعاد مختلفی به خود گرفت. در دهه ۱۹۹۰ بررسی آثار نابرابری بر موضوع انتخابات و قدرت گرفتن احزاب در کشورهای توسعه‌یافته نیز به آن اضافه شده است و در ادامه مسائلی نظیر آثار سرمایه انسانی و اجتماعی، شانس، فرهنگ، جغرافیا و نهادها بر حوزه عدالت و نابرابری مورد بررسی قرار گرفته است. در ایران نیز پس از افزایش قیمت‌های نفت در سال ۱۳۵۳ و افزایش شکاف درآمدی در کشور موضوعات حوزه عدالت، توزیع درآمد و نابرابری به‌صورت جدی مورد مناقشه محققین بوده است.

دراین مقاله روابط بلندمدت شکاف درآمدی با یارانه‌ها و نرخ رشد اقتصادی مورد بررسی قرار می‌گیرد، همچنین آثار متغیرهایی همچون اشتغال، مالیات و نرخ تورم بر شکاف درآمدی نیز مورد توجه قرار خواهد گرفت.

پرداخت یارانه به اقشار آسیب‌پذیر یکی از مهم‌ترین شیوه‌های سیاست حمایتی برای کاهش نابرابری و شکاف درآمدی است که با توجه به پیچیدگی و تنوع و کاربرد آن طبقه‌بندی‌های خاص خود را دارد، اما در این مقاله به نوعی از یارانه‌ها که از لحاظ هزینه به‌صورت آشکار در قانون بودجه قابل انعکاس است اشاره خواهد شد.

## ۲. نسبت یارانه‌های پرداختی به برخی متغیرها

از آنجایی‌که مبالغ یارانه‌ها در قالب هزینه‌های بودجه دولت منعکس می‌شود نسبت یارانه به کل بودجه دولت می‌تواند به‌عنوان شاخص قابل اعتمادی از سیاست‌های حمایتی دولت مورد بررسی قرار گیرد. بر اساس آمار و اطلاعات جدول (۱) ملاحظه می‌گردد که بالاترین نسبت پرداخت یارانه به کل بودجه دولت پیش از انقلاب مربوط به سال ۱۳۵۴ (یعنی یک سال پس از افزایش درآمدهای نفتی) است که نسبتی بالغ بر ۷/۸ درصد از کل بودجه دولت را به خود اختصاص داده است. گرچه طی سال‌های (۱۳۶۸-۱۳۵۲) نسبت مخارج یارانه به هزینه‌های بودجه روند ثابتی نداشته و با نوسان‌های بسیاری همراه بوده است، اما از سال ۱۳۶۹ به بعد این سهم از افزایش نسبتاً بالایی برخوردار می‌شود، به طوری‌که در سال ۱۳۷۳، ۱۲/۷ درصد از کل بودجه دولت صرف پرداخت یارانه گردیده و پس از این سال روند کاهشی را طی نموده است.

[ Downloaded from qjfep.ir on 2026-09-09 ]

با اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها این نسبت در ۳ سال گذشته افزایش شدیدی را تجربه نموده است، به گونه‌ای که دولت به‌دلیل فراگیر بودن پرداخت یارانه به تمام مردم در سال گذشته دچار مشکلات عدیده‌ای برای تأمین منابع آن بوده است.

نسبت یارانه‌ها به درآمدهای مالیاتی شاخص دیگری است که طی ۴ دهه گذشته با رشد بسیار زیادی همراه بوده و نشان می‌دهد که دولت در سال‌های (۱۳۷۵-۱۳۷۲) به‌دلیل یکسان‌سازی نرخ ارز در اقتصاد کشور و افزایش هزینه واردات کالاهای اساسی که به آن یارانه پرداخت می‌شود نزدیک به نیمی از دریافت‌های خود از طریق مالیات را به‌صورت یارانه به مردم پرداخت نموده است. در سال‌های بعد این نسبت به‌صورت نوسانی تغییراتی را تجربه نموده است. با آغاز اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها در ۳ سال گذشته این نسبت مجدد افزایش شدیدی را تجربه نموده است، به گونه‌ای که بر اساس آمار و اطلاعات جدول (۱) دولت طی سال‌های (۱۳۹۱-۱۳۹۰) بیش از مقداری که مالیات از جامعه دریافت نموده به مردم یارانه پرداخت کرده است.

شاخص دیگری که می‌تواند جایگاه سیاست‌های حمایتی دولت را در اقتصاد به نمایش بگذارد نسبت یارانه به تولید ناخالص داخلی است.آمار و اطلاعات ۴ دهه گذشته اقتصاد ایران در جدول (۱) نشان می‌دهد که این نسبت تا پیش از آغاز اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها حول محور ۲ درصد در نوسان بوده است. این نسبت با آغاز اجرای قانون فوق با افزایش قابل‌توجهی به بالاتر از ۶ درصد در سال ۱۳۹۱ رسیده است.

شاخص دیگری که می‌تواند نشان‌دهنده ابعاد سیاست‌های حمایتی دولت باشد یارانه سرانه است. از آنجایی‌که افزایش جمعیت موجب افزایش تقاضا برای دریافت یارانه نقدی و کالاهای اساسی یارانه‌ای می‌گردد یارانه سرانه به‌عنوان یکی از شاخص‌های مهم اقتصادی می‌تواند وضعیت پرداخت‌های انتقالی دولت به جامعه را نمایان سازد.

آمار و اطلاعات جدول (۱) نشان می‌دهد که با افزایش حجم جمعیت میزان یارانه‌ها نیز افزایش یافته و سرانه پرداخت‌های یارانه‌ای به قیمت‌های جاری نیز روندی افزایشی به خود گرفته است، اما با تعدیل یارانه‌های پرداختی به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۷۶ ملاحظه می‌گردد که به‌رغم روند صعودی یارانه سرانه (به قیمت جاری) که از سال ۱۳۶۸ آغاز شد و در سال ۱۳۹۱ به اوج خود رسید آثاری که پرداخت این یارانه‌ها بر افزایش قدرت خرید مردم داشته بسیار اندک بوده است.

[ Downloaded from qjfep.ir on 2026-09-09 ]

گرچه دولت همه ساله مبالغ بسیاری از بودجه عمومی را صرف پرداخت یارانه نقدی و یارانه کالاهای اساسی نموده است، اما به‌دلیل فراگیر بودن این پرداخت‌ها تأثیر قابل‌توجهی در بهبود وضع معیشتی اقشار کم درآمد جامعه در بر نداشته و ارزش واقعی کمک‌های دولت بر الگوی تغذیه جامعه درخور توجه نبوده است. به‌عنوان مثال، دولت در سال ۱۳۹۱ برای هر فرد مبلغی حدود ۶ میلیون ریال به‌عنوان یارانه هزینه نموده، در حالی که تنها توانسته است قدرت خریدی به‌میزان ۶۲۵ هزار ریال ایجاد نماید. این قدرت خرید در سال ۱۳۹۰ حدود ۶۶۵ هزار ریال بوده است. روند مذکور نشان می‌دهد چنانچه تغییری در اعطای فراگیر یارانه توسط دولت صورت نگیرد (این امر نیازمند همکاری تمام ارکان حکومت و همراهی مردم است) قدرت خرید مذکور طی سال‌های آینده (به‌دلیل ادامه نرخ‌های تورم دو رقمی در چند سال آینده) کاهش قابل‌ملاحظه ای خواهد یافت.

**جدول ۱. یارانه‌ها و سهم آن از برخی متغیرهای کلان اقتصادی (۱۰۰=۱۳۷۶)**

| سال | کل یارانه‌ها به قیمت جاری (میلیارد ریال) | بودجه دولت به قیمت جاری (میلیارد ریال) | نسبت یارانه‌ها به بودجه دولت (درصد) | نسبت یارانه‌ها به درآمدهای مالیاتی (درصد) | نسبت یارانه‌ها به تولید ناخالص داخلی (درصد) | یارانه سرانه به قیمت جاری (ریال) | یارانه سرانه به قیمت ثابت (ریال) |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۱۳۵۲ | ۷/۳ | ۵۳۱/۴ | ۱/۴ | ۵/۵ | ۰/۷۲ | ۲۳۳ | ۱۸۲۱۹ |
| ۱۳۵۳ | ۶۴/۰ | ۱۱۷۴/۴ | ۵/۴ | ۴۰/۷ | ۲/۲ | ۲۰۰۴ | ۱۳۵۴۰۶ |
| ۱۳۵۴ | ۱۱۷/۱ | ۱۴۹۶/۲ | ۷/۸ | ۴۳/۳ | ۳/۶ | ۳۵۶۹ | ۲۱۸۹۸۲ |
| ۱۳۵۵ | ۸۴/۰ | ۱۶۷۵/۴ | ۵/۰ | ۲۴/۵ | ۱/۹ | ۲۴۹۱ | ۱۳۱۰۹۰ |
| ۱۳۵۶ | ۶۵/۸ | ۲۱۷۴/۹ | ۳/۰ | ۱۴/۸ | ۱/۳ | ۱۸۷۸ | ۷۸۹۱۸ |
| ۱۳۵۷ | ۴۲/۶ | ۲۰۴۴/۲ | ۲ /۱ | ۹/۱ | ۰/۸۵ | ۱۱۷۱ | ۴۵۲۲۰ |
| ۱۳۵۸ | ۷۹/۲ | ۲۰۱۸/۲ | ۳/۹ | ۲۱/۵ | ۱/۳ | ۲۰۹۶ | ۷۲۰۲۰ |
| ۱۳۵۹ | ۷۳/۳ | ۲۲۴۹/۳ | ۱/۷ | ۱۱ | ۰/۵۹ | ۹۵۰ | ۲۶۴۶۱ |
| ۱۳۶۰ | ۸۱/۳ | ۲۷۰۷۱ | ۳/۰ | ۱۴/۷ | ۱/۱ | ۱۹۹۱ | ۴۵۰۵۳ |
| ۱۳۶۱ | ۱۰۹/۷ | ۳۱۶۶/۳ | ۴ /۱ | ۱۷/۹ | ۱/۱ | ۲۵۸۷ | ۴۵۲۲۲ |
| ۱۳۶۲ | ۱۰۶/۱ | ۳۶۷۱/۷ | ۳/۵ | ۱۳/۳ | ۰/۸۵ | ۲۴۰۶ | ۳۷۱۹۵ |
| ۱۳۶۳ | ۱۰۲/۲ | ۳۳۵۳/۶ | ۲/۹ | ۱۳/۴ | ۰/۸۹ | ۲۶۲۲ | ۳۶۸۲۱ |
| ۱۳۶۴ | ۱۱۶/۴ | ۳۳۱۳/۶ | ۳/۶ | ۱۱/۳ | ۰/۸۱ | ۲۴۴۵ | ۳۱۸۷۶ |
| ۱۳۶۵ | ۱۲۷/۱ | ۳۱۵۶/۸ | ۴/۰ | ۱۲/۴ | ۰/۸۷ | ۲۵۷۵ | ۲۷۲۷۹ |

[ Downloaded from qjfep.ir on 2026-09-09 ]

ادامه جدول ۱.

| | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۱۳۶۶ | ۱۰۴/۵ | ۳۶۴۰/۶ | ۲/۹ | ۱۰/۲ | ۰/۵۸ | ۲۰۶۴ | ۱۷۵۹۹ |
| ۱۳۶۷ | ۹۰/۶ | ۴۲۱۰/۶ | ۲/۲ | ۹/۲ | ۰/۴۵ | ۱۷۵۳ | ۱۱۹۵۱ |
| ۱۳۶۸ | ۱۶۲/۵ | ۴۳۱۶/۷ | ۳/۸ | ۱۳/۷ | ۰/۶۵ | ۳۰۵۶ | ۱۷۸۶۹ |
| ۱۳۶۹ | ۴۰۳/۹ | ۶۰۵۱/۱ | ۶/۷ | ۲۳/۸ | ۱/۲ | ۷۴۱۲ | ۳۹۸۹۱ |
| ۱۳۷۰ | ۵۱۴/۹ | ۸۰۹۰/۹ | ۶/۴ | ۱۸/۶ | ۱/۱ | ۹۲۲۲ | ۴۱۱۱۲ |
| ۱۳۷۱ | ۱۰۶۳/۸ | ۱۰۷۵۶/۸ | ۹/۹ | ۲۷/۷ | ۱/۶ | ۱۸۴۴۵ | ۶۶۱۳۱ |
| ۱۳۷۲ | ۲۳۳۷/۷ | ۲۰۸۸۶/۹ | ۱۱/۲ | ۵۲/۳ | ۲/۱ | ۳۶۹۵۷ | ۱۰۷۹۰۰ |
| ۱۳۷۳ | ۳۶۸۶/۱ | ۲۸۹۱۲/۴ | ۱۲/۷ | ۶۷/۱ | ۲/۸ | ۶۳۱۹۷ | ۱۳۶۴۳۸ |
| ۱۳۷۴ | ۴۸۹۵/۱ | ۴۱۳۳۱ | ۱۱/۸ | ۶۶/۹ | ۲/۶ | ۸۲۷۰۴ | ۱۱۹۵۴۹ |
| ۱۳۷۵ | ۶۴۳۷ | ۵۶۷۸۳ | ۱۱/۳ | ۵۱/۳ | ۲/۷ | ۱۰۷۱۸۵ | ۱۲۵۷۳۰ |
| ۱۳۷۶ | ۵۸۰۱ | ۶۵۰۷۵ | ۸/۹ | ۳۳/۴ | ۲ | ۹۴۹۸۹ | ۹۴۹۸۹ |
| ۱۳۷۷ | ۶۲۹۴ | ۶۴۳۵۹ | ۹/۸ | ۳۳/۷ | ۱/۸ | ۱۰۱۳۴۸ | ۸۵۸۲۲ |
| ۱۳۷۸ | ۷۶۵۱ | ۹۴۵۷۲ | ۸/۱ | ۲۹/۶ | ۱/۸ | ۱۲۱۱۵۲ | ۸۵۴۳۳ |
| ۱۳۷۹ | ۸۳۹۰ | ۱۰۷۰۲۹ | ۷/۸ | ۲۵/۵ | ۱/۶ | ۱۳۰۶۴۷ | ۸۱۸۱۸ |
| ۱۳۸۰ | ۱۰۴۶۸ | ۱۲۸۲۴۴ | ۸/۲ | ۲۷ | ۱/۸ | ۱۶۰۳۰۴ | ۹۰۱۰۹ |
| ۱۳۸۱ | ۱۳۱۵۳ | ۲۲۹۹۶۳ | ۵/۷ | ۲۶ | ۱/۸ | ۱۹۸۳۸۶ | ۹۶۳۰۴ |
| ۱۳۸۲ | ۱۹۳۲۳ | ۲۶۳۳۷۵ | ۷/۳ | ۲۹/۷ | ۲/۱ | ۲۸۷۰۵۳ | ۱۲۰۸۰۹ |
| ۱۳۸۳ | ۲۷۵۳۸ | ۳۲۷۳۱۸ | ۸/۴ | ۳۲/۶ | ۲/۴ | ۴۰۲۹۲۶ | ۱۴۶۷۸۶ |
| ۱۳۸۴ | ۵۱۸۴۰ | ۴۷۰۹۹۰ | ۱۱ | ۵۰/۵ | ۳/۸ | ۷۴۷۰۸۲ | ۲۴۶۴۸۰ |
| ۱۳۸۵ | ۵۷۶۳۱ | ۵۷۴۹۸۹ | ۱۰ | ۴۵/۹ | ۳/۵ | ۸۱۷۵۱۳ | ۲۴۱۰۸۳ |
| ۱۳۸۶ | ۵۴۶۸۴ | ۶۲۹۶۰۹ | ۸/۷ | ۳۳/۶ | ۲/۸ | ۷۶۴۴۶۶ | ۱۹۰۴۰۳ |
| ۱۳۸۷ | ۸۵۴۳۴ | ۸۰۳۴۱۸ | ۱۰/۶ | ۴۲/۱ | ۳/۴ | ۱۱۷۷۰۳۲ | ۲۳۳۹۵۶ |
| ۱۳۸۸ | ۶۹۱۵۳ | ۸۴۵۲۷۳ | ۸/۲ | ۲۶/۳ | ۲/۴ | ۹۳۹۵۷۷ | ۱۶۲۱۰۸ |
| ۱۳۸۹ | ۱۱۴۹۵۳ | ۸۹۶۰۷۴ | ۱۲/۸ | ۴۰/۴ | ۲/۶۷ | ۱۵۴۰۹۲۵ | ۲۳۷۸۳۴ |
| ۱۳۹۰ | ۳۹۳۵۷۴ | ۱۲۸۴۶۵۶ | ۳۰/۶ | ۱۰۹/۵ | ۶/۴۴ | ۵۲۳۷۱۷۹ | ۶۶۵۲۰۷ |
| ۱۳۹۱ | ۴۵۴۹۶۲ | ۱۰۴۵۷۹۶ | ۴۳/۵ | ۱۱۵/۱ | ۶/۷۳ | ۵۹۸۶۳۴۲ | ۶۲۵۸۱۳ |

مأخذ: آمار و اطلاعات قوانین بودجه سال‌های مختلف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان و سازمان هدفمند کردن یارانه‌ها.

[ Downloaded from qjfep.ir on 2026-09-09 ]

## ۳. رشد اقتصادی و توزیع درآمد

رشد اقتصادی به افزایش پیوسته تولید ناخالص داخلی یک کشور اطلاق می‌گردد. در نظریه‌های اقتصادی رشد یا میسر بالقوه رشد یک مفهوم بلندمدت است. مدل‌های طراحی‌شده پیرامون رشد اقتصادی در نیمه دوم قرن ۲۰ تلاش نمودند سطح و شیب میسر رشد اقتصادی را تعیین نموده و عوامل مؤثر بر آنها را شناسایی نمایند.

فرضیه کوزنتس: وی نظریه خود پیرامون رشد اقتصادی و توزیع درآمد را برای نخستین بار در سال ۱۹۴۵ ارائه نمود. بر اساس این نظریه نابرابری درآمدی در مراحل اولیه رشد اقتصادی افزایش یافته و پس از رسیدن رشد اقتصادی به سطحی مشخص نابرابری درآمدی کاهش می‌یابد. کوزنتس در مطالعات خود به این نتیجه می‌رسد که سهم گروه‌های مرفه از تولید ناخالص داخلی در کشورهای در حال توسعه در مقایسه با کشورهای صنعتی بزرگتر است. به‌عنوان مثال، ۵ درصد خانوارها در کشورهای در حال توسعه بیشتر از ۳۰ درصد از درآمد را جذب می‌نمایند، در حالی‌که این نسبت در کشورهای پیشرفته حدود ۲۵-۲۰ درصد بوده است، همچنین سهم گروه‌های متوسط در کشورهای پیشرفته نسبت به کشورهای در حال توسعه بزرگتر است. کوزنتس عنوان می‌نماید در بلندمدت زمانی‌که رشد اقتصادی به حجم مشخصی برسد نابرابری کاهش خواهد یافت.

در مدل‌های رشد یکنواخت با فرض وجود تنها دو عامل کار و سرمایه در واحدهای تولیدی اثبات می‌شود که شیب تابع تولید بلندمدت همان نرخ سود است و سهم سود از تولید شیب تابع تولید بلندمدت در نقطه تعادل می‌باشد. بنابراین چنانچه کشوری در سطوح پایین تولید ملی بلندمدت خود قرار داشته باشد به‌دلیل اینکه در اوایل تابع تولید شیب آن زیاد است تعادل در این نقاط منجر به سهم بالای سرمایه از تولید نسبت به نیروی کار می‌گردد. به این دلیل یکی از عوامل مؤثر نرخ سود بالای پول در کشورهای در حال توسعه و فقیر سطح پایین تولید در این کشورهاست. در مقابل، شیب تابع تولید در کشوری مانند ژاپن که از سطح بالایی ازتولید برخوردار می‌باشد (مقدار تولید در مجاورت ماکزیمم تابع تولید قرار دارد) تقریباً نزدیک به صفر است (سهم سرمایه از تولید در مقایسه با سهم دستمزد بسیار ناچیز است). به این دلیل نرخ سود پول در این کشور نزدیک به صفر است. دراین شرایط سرمایه‌داران کشورهای مذکور برای جلوگیری از صفر شدن سهم سرمایه اقدام به انتقال سرمایه به کشورهای پیرامون خود می‌نمایند.

[ Downloaded from qjfep.ir on 2026-09-09 ]

بر اساس مطالب فوق در سطوح پایین مراحل اول تولید به‌دلیل اینکه مرتب شیب تابع تولید افزایش می‌یابد سهم سرمایه از تولید افزایش و سهم دستمزد از تولید کاهش می‌یابد، بنابراین در مراحل اولیه رشد اقتصادی با ثابت بودن سایر عوامل توزیع درآمد بدتر می‌شود. با حرکت روی تابع تولید (افزایش تولید) و کاهش شیب آن سهم سرمایه کاهش و سهم دستمزد افزایش می‌یابد. نهایت این روند ماکزیمم تولید می‌باشد که در آنجا سهم سرمایه به صفر می‌رسد. به عبارت دیگر، در ماکزیمم تابع تولید تمام سهم تولید به دستمزد تعلق می‌گیرد. این روند همان مسیر U شکل نظریه کوزنتس به‌صورت نظری است. بر این اساس، کشورهایی که در سطوح پایین تولید قرار دارند (با فرض ثابت بودن عوامل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و...) در صورت افزایش تولید با بدتر شدن توزیع درآمد مواجه خواهند شد. به عبارت دیگر در این کشورها افزایش تولید توزیع درآمد را نامناسب‌تر و کاهش تولید منجر به بهبود توزیع درآمد خواهد شد. به این دلیل بسیاری از اقتصاددانان به‌جای استفاده از شاخص‌های نابرابری همچون ضریب‌جینی از شاخص سن که یک شاخص رفاه اجتماعی محسوب می‌شود و ترکیبی از تولید و توزیع درآمد در آن نهفته است را برای ارزیابی وضعیت یک جامعه در سال‌های مختلف استفاده می‌نمایند.

در این شرایط چنانچه توزیع درآمد در یک جامعه نسبت به سال قبل بهبود یابد می‌بایست بررسی شود که تولید در این دوره زمانی چگونه تغییر نموده است، چراکه بهبود وضعیت توزیع درآمد الزاماً به‌معنای بهبود در رفاه اجتماعی نخواهد بود. در برخی شرایط کاهش نابرابری به‌واسطه کاهش تولیدات کل جامعه و رکود اقتصادی حاصل می‌شود که این امر به‌منزله گسترش فقر در جامعه خواهد بود. به عبارت دیگر، همانگونه که در شرایطی افزایش تولید منجر به افزایش نابرابری می‌گردد بافرض همان شرایط کاهش تولید و رکود اقتصادی نیز منجر به کاهش نابرابری و بهبود در توزیع درآمد خواهد شد.

بر اساس مطالب فوق در برنامه‌ریزی‌های صورت‌گرفته برای دستیابی به اهداف توسعه در این کشورها می‌بایست دقت لازم در ترسیم اهداف اقتصادی صورت پذیرد. چنانچه کشوری در مراحل اولیه رشد اقتصادی خود قرار دارد نمی‌توان همزمان رشد اقتصادی بالا به‌همراه مناسب‌تر شدن توزیع درآمد در اهداف برنامه‌های توسعه را مدنظر قرار داد. بر این اساس، دستیابی اقتصاد کشور همزمان به اهداف نرخ رشد اقتصادی ۸ درصدی به‌همراه کاهش ضریب‌جینی به ۰/۳۵ یا دیگر شاخص‌های توزیع درآمد

[ Downloaded from qjfep.ir on 2026-09-09 ]

نظیر فاصله دو گروه بالا و پایین درآمدی در سال‌های برنامه پنجم توسعه یا در پایان سال ۱۳۹۳ امکان‌پذیر نیست، بنابراین می‌بایست در ترسیم اهداف اقتصادی برای تنظیم قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی کشور این موضوع که دستیابی به نرخ رشد اقتصادی بالا به همراه کاهش ضریب‌جینی با مشکلاتی مواجه خواهد شد مدنظر قرار گیرد (مجدد تأکید می‌شود این موضوع به شرط ثبات سایر شرایط است، اما چنانچه در جامعه‌ای تحول عمیق فرهنگی رخ دهد به گونه‌ای که طیف وسیعی از افراد آن کشورحاضر به فداکاری برای جامعه خویش باشد این نظریه تا حدود زیادی تعدیل خواهد گردید مانند وقوع انقلاب اسلامی در ایران یا تفکرات رایج در کشورهای ژاپن،کره جنوبی و... که تلاش‌های بسیاری برای پیشرفت کشورشان انجام دادند).

با عنایت به ارتباط علوم اقتصادی با دیگر حوزه‌های علوم انسانی نظیر فرهنگ، سیاست، جامعه‌شناسی و جغرافیا و عدم ثبات عوامل فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و جغرافیایی نظریات جدیدی پیرامون عوامل تأثیرگذار بر رشد اقتصادی، رفاه، عدالت و توزیع درآمد از اوایل دهه ۱۹۶۰ تاکنون ارائه گردیده است که نظریه کوزنتس و دیگران را تکمیل نموده و از اشکالات آن کاسته است که به اختصار به برخی از آنها اشاره می‌گردد.

ایرونیگ کراویس (۱۹۶۰) عنوان می‌کند که نابرابری در کشورهای در حال توسعه نمایان‌تر است. بررسی‌های وی نشان می‌دهد که همبستگی مثبت بین دو متغیر نابرابری و درآمد سرانه واقعی وجود دارد. وی نتیجه می‌گیرد که در کشورهای در حال توسعه نسبت به کشورهای توسعه‌یافته نابرابری درآمد در گروه‌های پایین درآمدی کمتر و در گروه‌های بالای درآمدی بیشتر است. وی عوامل مؤثر در نابرابری جهانی را اختلاف در توزیع خصوصیات ویژه مردم، موانع عرفی و قانونی تحرک اجتماعی، عوامل ساختاری و سازمان‌های سیاسی- اجتماعی نسبت داد (ژاک لوکایون، ۱۳۷۳).

در این راستا پرسون و تابلینی مدل تعادل سیاسی- اقتصادی را ارائه نمودند. آنها نرخ مالیات بر سرمایه را از عوامل مؤثر بر رشد و توزیع درآمد مطرح نمودند، به این صورت که نرخ تعادلی مالیات حاصل یک تصمیم دو مرحله‌ای است. نخست هریک از آحاد جامعه نرخ مالیات مطلوب از نظر خود را تعیین و آن را ابراز می‌دارند. در مرحله بعد نظام تصمیم‌گیری سیاسی برایند نرخ‌های مالیات

[ Downloaded from qjfep.ir on 2026-09-09 ]

ابراز شده توسط تمام افراد را از طریق فرایند رأی‌گیری جمع‌آوری نموده و نرخ تعادلی را به اجرا می‌گذارد. آنها معتقدند که نظام سیاسی نرخ تعادلی را بر پایه رأی‌دهنده میانی بنا می‌گذارند (نیلی، ۱۳۷۸).

بر اساس این نظریه نرخ تعادلی مالیات بر سرمایه به‌شدت به نحوه توزیع درآمد وابسته است، بنابراین در صورت وجود چوله راست در توزیع درآمد از آنجایی‌که میانه کوچکتر از میانگین است نرخ مالیاتی بر سرمایه نرخ تعادلی محسوب می‌گردد که نرخ مالیات مطلوب طبقات پایین درآمدی است و طبیعی است که این نرخ بسیار بالاتر از نرخ متوسط جامعه خواهد بود. در نتیجه بالا بودن نرخ مالیات بر سرمایه میزان سرمایه‌گذاری را کاهش داده و رشد اقتصادی را کند خواهد نمود.

بنا برتجارب در جهان معاصر حکومت‌های دمکراتیک بهتر از سایر نظام‌های سیاسی، رفاه مالی، رشد فکری و رضایت اعضای خود را برآورده می‌سازند. همانطور که در تعاریف و نظریه‌های شهروندی نیز آمده است این ایده به موازات تأمین رفاه مدنظر قرار گرفته است (شیانی، ۱۳۸۱).

بر اساس این نگرش جوامعی که در آن نهادهای قدرت در کشور توسط رأی مردم تعیین می‌شوند و فرصت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به‌صورت یکسان در اختیار تمام شهروندان قرار می‌گیرد رفاه در سطوح بالاتر و توزیع درآمد مناسب‌تر از شیوه‌های دیگر توزیع قدرت و ثروت می‌باشد.

برخی دیگر از دیدگاه‌ها به عامل جغرافیا اشاره می‌کنند. بر اساس این تفکرات شرایط آب و هوایی کشورهای اروپایی موجبات رشد و توسعه و رفاه ساکنان این قاره را فراهم نموده، همچنین شرایط آب و هوایی کشورهای آفریقایی موجبات عدم توسعه و ناچیز بودن رشد و رفاه این کشورها را موجب شده است.

برخی دیدگاه‌ها نیز عامل فرهنگ را مطرح می‌کنند. بر اساس این دیدگاه نحوه نگرش مردم یک کشور به متغیرهای کلان اقتصادی همچون پس‌اندازکنندگان، تولید، سرمایه‌گذاری و عاملان آن در رشد این پارامترها تأثیرگذار بوده، در نتیجه عامل فرهنگ از این طریق در رشد اقتصادی، رفاه و توزیع درآمد مؤثر خواهد بود.

داگلاس نورث برنده جایزه نوبل با همکاری والیس و وینگاس در کتابی تحت عنوان "جنگ و فرمان‌های اجتماعی: یک مطالعه مفهومی برای تحلیل تاریخ مکتوب انسان" عنوان می‌کنند که مشکل عمده جوامع انسانی در حال توسعه تمرکز قدرت در دست تعداد معدودی از نخبگان جامعه

[ Downloaded from qjfep.ir on 2026-09-09 ]

(اندک سالاری) است. در نهایت، این امر موجبات عدم دسترسی یکسان فرصت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در جامعه گردیده و تمرکز قدرت، ثروت و دیگر مواهب در جامعه فراهم می‌شود.

عجم‌اوغلو و رابینسون (۱۳۹۳) نیز به‌صورت گسترده‌تر تجزیه‌وتحلیل تأثیر نهادهای سیاسی در جامعه را مورد بررسی قرار می‌دهند. رشد تحت سلطه نهادهای استثماری ماهیتاً متفاوت از رشد ناشی از نهادهای فراگیر است. مهم‌ترین تفاوت آن است که این رشد پایدار و متکی به تغییرات تکنولوژیکی نخواهد بود، بلکه مبتنی بر تکنولوژی موجود است.

نظام اقتصادی شوروی نمونه قابل‌توجهی از این حکومت‌هاست. رشد اقتصادی بالا تحت حکومتی اندک سالار می‌تواند بر پایه اقتدار توسط نخبگان جامعه ایجاد شود. در ادامه، به‌دلیل عدم دسترسی یکسان فرصت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در جامعه‌ای که تحت تسلط اندک سالاران بوده به کاهش رشد اقتصادی و فروپاشی نظام سیاسی جامعه در اواخر قرن ۲۰ منجر شد.

از سوی دیگر، جوامعی که در آن نهادهای فراگیر سیاسی حاکمیت دارد به‌دلیل اینکه فرصت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه را به‌صورت یکسان در اختیار عموم جامعه قرار می‌دهند باعث به‌وجود آمدن نهادهای فراگیر اقتصادی شده و این نهادها به‌نوبه خود سرمایه‌گذاری در تکنولوژی‌های نوین را تشویق می‌نمایند. این روند در جوامعی که تحت تسلط اندک سالاران قرار دارد به‌دلیل اینکه امکانات جامعه در اختیار گروه اندکی از جامعه متمرکز می‌گردد در فرایندهای رشد اقتصادی سرمایه‌گذاری‌ها در فناوری‌های نوین مورد تشویق واقع نمی‌شود.

نهادهای اقتصادی فراگیر به نوبه خود هم به حمایت از نهادهای سیاسی فراگیر می‌پردازند و هم خود توسط آنها پشتیبانی می‌شوند، همچنین نهادهایی هستند که قدرت سیاسی را به‌صورت گسترده و به شیوه‌ای متکثر در جامعه توزیع می‌کنند و قادرند به میزانی از تمرکزگرایی سیاسی برای استقرار نظم و قانون به‌عنوان پایه‌های امنیت، حقوق مالکیت و یک اقتصاد بازاری فراگیر دست یابند.

## ٤. مطالعات انجام‌شده در زمینه توزیع درآمد و رشد

برای اینکه کشور در مسیر مناسبی از توسعه اقتصادی قرار گیرد استفاده از تجربه‌های دیگر کشورها و به‌کار بردن تئوری‌های اقتصادی با در نظر گرفتن شرایط خاص کشور و اندازه‌گیری دقیق مزایا و معایب اجرای سیاست‌های اجرا شده ضروری است. آشنایی با تجربه کشورهای مختلف

[ Downloaded from qjfep.ir on 2026-09-09 ]

می‌تواند تا حدودی مشخص نماید که آیا توزیع درآمد در جریان رشد و توسعه اقتصادی به نفع یا زیان اقشار آسیب‌پذیر بوده است.

بحث دیگر اینکه اثر نهایی این سیاست‌ها چگونه است؟ در اغلب مواقع سیاست‌های به‌کار گرفته شده برای بهبود در توزیع درآمد به‌دلیل ساختاری شدن برخی رفتارهای اقتصادی و مقاومت اقشار مرفه جامعه از هدف اصلی خود دور گردیده و نفعی را متوجه اقشار آسیب‌پذیر نمی‌کند. اقتصاددانان پس از رشد اقتصادی بالا در بسیاری از کشورهای جهان و تغییرپذیری مناسب در اغلب کشورها در مسیر توسعه اقتصادی فاکتورهای دیگری را علاوه بر رشد اقتصادی برای توسعه‌یافتگی مطرح نمودند. از مهم‌ترین این فاکتورها چگونگی توزیع این رشد بین طبقات مختلف جامعه می‌باشد. اغلب مطالعات در این زمینه به نیمه دوم قرن ۲۰ مربوط می‌گردد.

مطالعه‌ای در زمینه افزایش شدید شکاف درآمدی بین ثروتمندان آمریکایی با سایر شهروندان در دو دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ توسط اداره بودجه کنگره آمریکا (CBO) صورت گرفته است. این مطالعه نشان می‌دهد که متوسط درآمد واقعی (پس از تعدیل تورم) یک درصد ثروتمندترین آمریکایی‌ها پس از کسرمالیات تا مبلغ ۴۱۴ هزار دلار بین سال‌های (۱۹۹۷-۱۹۷۹) رشد نموده است. در حالی‌که متوسط درآمد واقعی بعد از کسر مالیات ۲۰ درصد فقیرترین آمریکایی‌ها ۱۰۰ دلار طی دوره مذکور کاهش یافته است. همچنین در دوره مذکور یک رشد ۳۴۰۰ دلاری برای کسانی‌که دقیقاً در میانه طیف درآمدی (طبقه متوسط) بودند ایجاد شده است.

مطالعه مذکور اظهار می‌دارد درآمد واقعی پس از کسر مالیات برای یک درصد بالای درآمدی به‌طور متوسط ۱۵۷ درصد طی این دوره رشد نموده است و درآمد قابل تصرف ۲۰ درصد آمریکایی‌هایی که در میانه این طیف درآمدی بودند ۱۰ درصد رشد نموده است (حدود ۰/۵ درصد در سال) و درآمد قابل تصرف ۲۰ درصد فقیرترین آمریکایی‌ها عملاً تغییری نکرده است.

مطالعه مذکور نشان می‌دهد که شکاف‌های درآمدی بین طبقه ثروتمند و فقیر و بین طبقه ثروتمند و متوسط در دو دهه مذکور به یک اندازه بیشتر شده است و بیشترین شکاف در سال‌های ۱۹۹۵ و ۱۹۹۷ ایجاد شده است. تنها در این دوره دو ساله متوسط درآمد یک درصد بالاترین خانوارها ۴۰ درصد یا ۱۹۴ هزار دلار افزایش یافته است و اطلاعات حاصل از گزارش‌های مالیاتی نشان می‌دهد که افزایش شکاف درآمدی در سال‌های ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸ نیز ادامه یافته است.

[ Downloaded from qjfep.ir on 2026-09-09 ]

بر اساس آمارهای مذکور بسیاری از ادعاهای سیاسی رد شده است. در محافل سیاسی و اجتماعی آمریکا ادعا می‌شد که شکاف‌های درآمدی که در دهه ۱۹۸۰ زیاد شده بود رشد این شکاف در دهه ۹۰ متوقف شده است، در صورتی‌که آمار و اطلاعات ارائه‌شده در گزارش مذکور خلاف این ادعا را ثابت نموده است.

گرچه در شرایط کنونی تمام گروه‌های مختلف درآمدی درصد پایین‌تری از درآمد خود را نسبت به سال ۱۹۷۹ به‌صورت مالیات‌های فدرال می‌پردازند، اما بیشترین کاهش مالیات نصیب گروه‌های بالای درآمدی شده است.

در سال ۱۹۷۹ خانوارهای یک درصد بالای درآمدی به‌طور متوسط ۳۷/۳ درصد از درآمد خود را به‌صورت مالیات‌های فدرال می‌پرداختند، اما در سال ۲۰۰۱ تحت قوانین مالیاتی فعلی ۳۲/۷ درصد خواهند پرداخت.

در سال ۱۹۹۷، ۲/۶ میلیون آمریکایی (یک درصد بالای درآمدی) درآمد قابل تصرفی معادل نزدیک به ۱۰۰ میلیون آمریکایی با پایین‌ترین درآمد را داشته اند، همچنین ۲۰ درصد از آمریکایی‌ها با بالاترین درآمد به اندازه ۸۰ درصد دیگر جمعیت آمریکا در درآمد ملی پس از کسر مالیات سهم داشته‌اند.

به هر حال از آمار و ارقام مختلف می‌توان دریافت که در کشور آمریکا طی دو دهه گذشته نابرابری افزایش یافته و بسیاری از محققین این کشورها معتقدند که این میزان نابرابری در کشورهای توسعه‌یافته بی‌سابقه است.

بر اساس مطالعه‌ای که توسط سیلویا (۲۰۱۱) انجام شده است توزیع ثروت در ایالات متحده در سال ۲۰۰۹ نامناسب‌تر شده است، به گونه‌ای که ۲/۲ درصد تغییر (افزایش) در سهم ثروت خانوارهای مرفه (۲۰ درصد بالا) در سال ۲۰۰۹ نسبت به سال ۲۰۰۷ به‌وجود آمده است.

به عبارت دیگر، سهم ثروت ۸۰ درصد خانوارها ۲/۲ درصد در سال ۲۰۰۹ نسبت به سال ۲۰۰۷ کاهش یافته است. لازم به ذکر است که یک واحد درصد از افزایش سهم مذکور (حدود ۵۰ درصد آن) نصیب یک درصد خانوارهای مرفه‌ترین شده و تقریباً به همان میزان سهم ثروت ۲۰ درصد پایین‌ترین خانوارها کاهش یافته است، بنابراین با آغاز بحران اقتصادی نابرابری‌های توزیع ثروت در ایالات متحده نیز تشدید شده است (اسلامی، ۱۳۹۰).

[ Downloaded from qjfep.ir on 2026-09-09 ]

در آلمان وضعیت به گونه دیگری است. در این کشور روند نابرابری در دو دهه گذشته روند کاهشی بوده است. ضریب همبستگی بین نرخ رشد اقتصادی و ضریب‌جینی طی ۱۳ سال برای آلمان غربی حدود ۰/۳۵۶- می‌باشد. به عبارت دیگر، در این کشور این دو متغیر طی این دوره همبستگی معکوسی داشته‌اند و طی دوره مذکور روند نابرابری به‌طور متوسط رو به کاهش بوده است (بوین، ۲۰۰۰). نابرابری در شرق آلمان به‌دلیل ساختار اقتصادی آن پیش از یکپارچگی دو آلمان در سطح پایین‌تری قرار گرفته است و روند آن در دهه ۹۰ رو به افزایش بوده است، اما همچنان در سطح بهتری نسبت به غرب آلمان قرار دارد.

ضریب‌جینی پس از چند سال از ادغام دو آلمان (از سال ۱۹۹۲ به بعد) برای آلمان متحد کمی پایین‌تر از غرب آلمان می‌باشد و این امر نشان می‌دهد که دولت این کشور بر خلاف دولت آمریکا توانسته است شکاف نابرابری را بین غرب و شرق آلمان کاهش دهد.

مطالعات انجام‌شده حاکی از آن است که نابرابری در آمریکای لاتین و آفریقای مرکزی بیشتر از آسیا است و نابرابری درآمدی در آمریکای لاتین و آفریقای مرکزی با ضرایب‌جینی بالاتر از ۴۰ بسیار بیشتر از آسیای شرقی و جنوبی با ضرایب‌جینی بین و بالاتر از ۳۰ می‌باشد (کلاش و این، ۱۹۹۶).

مطالعه‌ای توسط سارل (۱۹۹۷) تحت عنوان "اثر متغیرهای کلان روی توزیع درآمد" انجام شده است. بر اساس مطالعه مذکور که به‌صورت مقطعی صورت گرفته است متغیرهای نرخ رشد تولید، سطح درآمد و نرخ سرمایه‌گذاری در مقایسه با مصرف خصوصی و دولتی اثر منفی مهمی بر تغییرات نابرابری درآمدی دارند. به عبارت دیگر، افزایش در متغیرهای فوق توزیع درآمد را بهبود می‌بخشند. همچنین بررسی مذکور نشان می‌دهد که حداکثر نابرابری در سطح درآمدی حدود ۱۱۵۰ دلار (تعدیل‌شده برحسب برابری قدرت خرید سال ۱۹۸۵) می‌باشد.

## ۵. مطالعات انجام‌شده در ایران

مطالعات فراوان و سودمندی طی دو دهه گذشته پیرامون توزیع درآمد در کشور صورت پذیرفته است که به لحاظ محدودیت امکان ارائه تمام آنها مقدور نیست. در ادامه به اختصار به چند مطالعه اشاره می‌شود.

[ Downloaded from qjfep.ir on 2026-09-09 ]

نیلی و فرحبخش (۱۳۷۷) در مقاله‌ای تحت عنوان "ارتباط رشد اقتصادی و توزیع درآمد" به بررسی آثار چند متغیر اقتصاد کلان بر ضریب‌جینی با استفاده از روش OLS پرداخته است. نتایج به‌دست آمده به‌صورت ذیل می‌باشد:

$$Gini = ۰/۴۳ - ۰/۱۴\ Gro + ۰/۲۳\ UNEMP_{(-۱)} + ۰/۰۱\ Inflation_{(-۱)} + ۰/۸\ DUM \quad (۱)$$

(-۲/۵) (۱/۹) (۱/۹) (۵/۳)

$R^2 = ۰/۷۳$ D.W= ۲/۰۶

F= ۰/۶۷ n= ۱۳۴۷ – ۷۵

بر اساس رابطه فوق افزایش در نرخ رشد اقتصادی موجب کاهش ضریب‌جینی و افزایش در متغیرهای نرخ بیکاری و تورم موجب افزایش ضریب‌جینی خواهد داشت. مقاله مذکور در برآورد دیگری به‌جای استفاده از ضریب‌جینی از سهم ۴۰ درصد فقیر جامعه به‌عنوان متغیر وابسته استفاده نموده است. نتایج برآورد به‌صورت ذیل ارائه شده است:

$$Poor\ ۴۰ = ۱۴/۲۷ + ۵/۷۴\ Gro - ۰/۵۳\ UNEMP_{(-۱)} - ۱۰/۹\ nflation_{(-۱)} - ۲/۶DUM \quad (۲)$$

(۲/۳) (-۲/۱) (-۲) (-۴)

$R^2 = ۰/۵۸۴$ D.W= ۱/۲۵

F= ۰/۴۹۶ n= ۱۳۴۷ - ۷۵

مقاله مذکور عنوان می‌نماید که پسماندهای حاصل از برآورد ایستا می‌باشند و تمام متغیرهای به‌کار رفته در مدل پس از یک درجه تفاضل ایستا می‌گردند. در انتها مقاله با برآورد دو مدل مذکور نتیجه می‌گیرد این ادعا که می‌بایست بین رشد اقتصادی و توزیع درآمد یکی را انتخاب نمود تأیید نمی‌گردد و رابطه منفی بین نرخ بیکاری و تورم با سهم ۴۰ درصد فقیر جامعه وجود دارد.

یادآوری می‌گردد دو برآورد فوق اشکالاتی دارد. از جمله اینکه شاخص ضریب‌جینی دقیقاً نابرابری را میان گروه‌های پایین و بالا مشخص نمی‌نماید و به گروه‌های میانی نیز حساس است و نکته دیگر اینکه تغییر در سهم ۴۰ درصد فقیرترین نیز همانند ضریب‌جینی نابرابری را مشخص نمی‌کند، چراکه ممکن است افزایش در سهم گروه‌های پایین ناشی از کاهش در سهم گروه‌های میانی باشد نه کاهش در سهم گروه‌های بالا.

[ Downloaded from qjfep.ir on 2026-09-09 ]

ابونوری (۱۳۷۶) اثر متغیرهای مهم اقتصاد بر توزیع درآمد را مورد برآورد قرار داده است. نتایج به‌دست آمده در مقاله مذکور به شرح ذیل است:

$$=Ln(g) - ۰/۱۶ - ۳/۶۳\ Ln\ (ER) - ۰/۵۵\ Ln\ (LP) + ۰/۳۵\ Ln\ (GH) + ۰/۳\ Ln\ [I(-۱)]$$
$$+ ۰/۳۶\ Ln\ [IS(-۱)] + ۰/۱۳\ Ln\ [DTH\ (-۱)]$$
$$R^2 = ۰/۸۹ \qquad D.W = ۲/۶ \qquad (۳)$$
$$F = ۷/۳ \qquad n = ۱۳۵۰ - ۷۰$$

در رابطه فوق، g: ضریب‌جینی، ER: نسبت اشتغال، LP: بهره‌وری کار، GH: هزینه‌های دولت، I: تورم، IS: سهم درآمد شخصی از تولید ناخالص ملی و DTH: مالیات مستقیم دریافتی از هر خانوار می‌باشد.

در برآورد انجام‌شده افزایش نسبت اشتغال و بهره‌وری نیروی کار، سطح نابرابری توزیع درآمد (هزینه) را کاهش می‌دهد، اما افزایش هزینه‌های دولت و مالیات‌ها سطح نابرابری را افزایش می‌دهد که این امر نشان‌دهنده عملکرد اشتباه سیاست‌های مالی دولت برای توزیع درآمد می‌باشد، همچنین افزایش تورم و افزایش سهم درآمد شخصی از تولید ناخالص ملی نیز سطح نابرابری را افزایش می‌دهد.

عادلی و رنجبرکی (۱۳۸۴) به بررسی رابطه بلندمدت بین رشد اقتصادی و توزیع درآمد در ایران طی دوره (۱۳۸۱–۱۳۴۷) پرداخته‌اند. نتایج به‌دست آمده در مقاله مذکور به‌شرح ذیل می‌باشد:

$$iNc = 548.7 + 1662GiNi - 2802GiNi^2 + 1.5AR(1) - 0.6AR \qquad (۴)$$

بر اساس مطالعه فوق افزایش رشد اقتصادی سبب افزایش نابرابری بیشتر شده است، ضمن اینکه فرضیه کورتنس طی دوره مورد مطالعه رد شده است.

بهشتی و صدیق (۱۳۸۵) به بررسی فرضیه موتور رشد کالدور در اقتصاد ایران طی دوره (۱۳۷۹–۱۳۳۸) پرداخته‌اند. مدل مورد برآورد در مقاله مذکور به‌شرح ذیل می‌باشد:

$$LPGDPO76 = -0.33774LinD76 \qquad (۵)$$
$$LL = 126.7 \qquad (۰/۰۸)$$

نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که رشد بخش صنعت کارخانه‌ای موجب رشد اقتصادی در ایران شده است.

[ Downloaded from qjfep.ir on 2026-09-09 ]

## ٦. برآورد تأثیر برخی متغیرهای کلان اقتصادی بر شکاف درآمدی

توزیع درآمد در جهان یکی از موضوعات مورد بحث در نیم قرن گذشته و ۳ دهه گذشته ایران می‌باشد، بنابراین در دو دهه گذشته مطالعات انجام‌شده در ایران قابل توجه بوده است. پیش از برآورد مدل موردنظر ذکر چند نکته پیرامون نحوه استفاده از شاخص شکاف درآمدی (توزیع درآمد) و برخی متغیرهای مورد استفاده در این مقاله ضروری است.

در سال‌های ۱۳۵۷، ۱۳۵۵ و ۱۳۶۰ نمونه‌گیری از هزینه و درآمد خانوارهای شهری توسط مرکز آمار ایران انجام نشده است، بنابراین اطلاعات سال‌های مذکور بر اساس متوسط دو سال پیش و پس از آنها در نظرگرفته شده است.

پارامترهای بسیاری برای متغیر شکاف درآمدی (توزیع درآمد) وجود دارد که ضریب‌جینی از آن جمله است، اما به‌دلیل اینکه این ضریب به نوسان‌های درآمدی در گروه‌های میانی جامعه نیز حساس است اگر تغییری در وضعیت گروه‌های مرفه جامعه (گروه‌های ۸، ۹ و ۱۰) ایجاد نشود، اما وضعیت اقتصادی گروه ۶ بدتر و وضعیت گروه ۴ بهبود یابد این ضریب از خود علائم بهبود را نشان می‌دهد، در حالی‌که در این شرایط وضعیت اقتصادی گروه‌های مرفه جامعه (گروه‌های ۸، ۹ و ۱۰) تغییری نکرده و گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه (گروه‌های ۱، ۲ و ۳) نیز وضعیتشان بهبود نیافته است، بنابراین در این مقاله به‌جای استفاده از ضریب‌جینی به‌عنوان متغیر شکاف درآمدی (توزیع درآمد) از متغیر نسبت مجموع هزینه سرانه گروه‌های ۸، ۹ و ۱۰ به مجموع هزینه سرانه گروه ۱، ۲ و ۳ که از آمار و اطلاعات هزینه-درآمد خانوارها که هر ساله توسط مرکز آمار ایران منتشر می‌شود به‌عنوان شکاف درآمدی (توزیع درآمد) استفاده می‌گردد.

برای محاسبه شکاف درآمدی میزان هزینه‌های خوراکی و غیرخوراکی ۶ گروه هزینه‌ای بر تعداد افراد خانوار آنها تقسیم گردیده و پس از آن سرانه هزینه‌ای گروه‌های ۸، ۹ و ۱۰ جمع شده و این کار برای گروه‌های ۱، ۲ و ۳ هزینه‌ای نیز انجام و در پایان با تقسیم مجموع سرانه هزینه‌ای گروه‌های ۸، ۹ و ۱۰ بر مجموع سرانه هزینه‌ای گروه‌های ۱، ۲ و ۳ شکاف درآمدی به‌دست آمده است. به عبارت دیگر، این شاخص بیان می‌کند که به‌طور متوسط هر فرد در ۳ گروه بالای درآمدی (هزینه‌ای) چند برابر هر فرد در ۳ گروه پایین هزینه‌ای در سال‌های مختلف درآمد (هزینه) داشته است.

[ Downloaded from qjfep.ir on 2026-09-09 ]

جدول ۲. روند شاخص شکاف درآمدی طی ۴ دهه گذشته در کشور

| سال | ۱۳۴۹ | ۱۳۵۰ | ۱۳۵۱ | ۱۳۵۲ | ۱۳۵۳ | ۱۳۵۴ | ۱۳۵۵ | ۱۳۵۶ | ۱۳۵۷ | ۱۳۵۸ | ۱۳۵۹ |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| شکاف درآمدی | ۸/۷ | ۷/۲ | ۷/۳ | ۸/۲ | ۱۰ | ۲۱/۹ | ۲۳/۳ | ۲۴/۲ | ۲۱/۵ | ۱۷/۷ | ۱۵/۶ |
| سال | ۱۳۶۰ | ۱۳۶۱ | ۱۳۶۲ | ۱۳۶۳ | ۱۳۶۴ | ۱۳۶۵ | ۱۳۶۶ | ۱۳۶۷ | ۱۳۶۸ | ۱۳۶۹ | ۱۳۷۰ |
| شکاف درآمدی | ۱۵/۲ | ۱۶/۶ | ۹/۷ | ۹/۵ | ۱۰/۳ | ۹/۷ | ۸/۸ | ۹/۵ | ۷ | ۹/۱ | ۶/۷ |
| سال | ۱۳۷۱ | ۱۳۷۲ | ۱۳۷۳ | ۱۳۷۴ | ۱۳۷۵ | ۱۳۷۶ | ۱۳۷۷ | ۱۳۷۸ | ۱۳۷۹ | ۱۳۸۰ | ۱۳۸۱ |
| شکاف درآمدی | ۵/۷ | ۹/۶ | ۶/۲ | ۷/۸ | ۶/۵ | ۹/۴ | ۸/۷ | ۸/۹ | ۸/۶ | ۸/۴ | ۷/۹ |
| سال | ۱۳۸۲ | ۱۳۸۳ | ۱۳۸۴ | ۱۳۸۵ | ۱۳۸۶ | ۱۳۸۷ | ۱۳۸۸ | ۱۳۸۹ | ۱۳۹۰ | ۱۳۹۱ | |
| شکاف درآمدی | ۷/۶ | ۷/۱ | ۹/۳ | ۷/۸ | ۷/۷ | ۷/۸ | ۸/۴ | ۸/۳ | ۳/۹۵ | ۳/۸ | |

مأخذ: نتایج تحقیق بر اساس آمارهای هزینه و درآمد خانوارهای شهری کشور مرکز آمار ایران.

بر اساس آمار و اطلاعات جدول (۲) روند شاخص شکاف درآمدی نشان می‌دهد که تا پیش از شوک نفتی در سال ۱۳۵۳ حداکثر شکاف درآمدی میان افراد ۳ گروه بالای درآمدی (هزینه‌ای) با افراد ۳ گروه پایین هزینه‌ای حدود ۸ برابر است، اما به‌دلیل ساختار اقتصادی اشتباه حاکم طی چند سال این شکاف عمیق‌تر می‌گردد، به گونه‌ای که در سال ۱۳۵۶ یعنی اوج شکوفایی اقتصاد پیش از انقلاب شکاف درآمدی (هزینه‌ای) به حدود ۲۴ برابر می‌رسد و پس از آن به‌صورت نوسانی روند شکاف درآمدی (هزینه‌ای) کاهش یافته و طی دوره‌های برنامه‌های توسعه اول تا چهارم به حدود ۸ برابر بالغ می‌گرددکه تقریباً مساوی شکاف درآمدی در دوره پیش از شوک نفتی سال ۱۳۵۳ است. شکاف درآمدی (هزینه‌ای) در ۲ سال نخست اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها به‌دلیل اعطای ماهانه یک مبلغ ثابت به‌عنوان یارانه نقدی (۴۵۵ هزار ریال) به تمام گروه‌های درآمدی (هزینه‌ای) جامعه به‌طور محسوسی کاهش یافته است، بنابراین می‌بایست دو نکته در خصوص کاهش شکاف درآمدی (هزینه‌ای) در دو سال مذکور مدنظر قرار گیرد.

- بخشی ازکاهش شکاف درآمدی (هزینه‌ای) ناشی از توزیع یارانه‌های نقدی در اثر اجرای قانون هدفمند کردن یارانه بوده است. از لحاظ آماری چنانچه مبلغ ثابتی به درآمد تمام افراد جامعه

[ Downloaded from qjfep.ir on 2026-09-09 ]

اضافه شود نتیجه آن کمتر شدن فاصله بین افراد آن جامعه خواهد بود، اما باید این موضوع را نیز مدنظر داشت چنانچه اجرای این سیاست و دیگر عوامل اقتصادی موجبات افزایش نرخ تورم را در جامعه به‌دنبال داشته باشد با توجه به میزان تورم ایجاد شده آثار کمک‌های فوق طی چند سال تخلیه شده و مجدد شکاف درآمدی (هزینه‌ای) افزایش خواهد یافت.

– با عنایت به نظریات مطرح‌شده در صفحات قبل پیرامون هم‌جهت بودن نابرابری‌ها (شکاف درآمدی) و نرخ رشد اقتصادی در بسیاری از کشورهایی که در سطوح پایینی از تولید قرار دارند، از آنجایی‌که نرخ رشد اقتصادی در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال ۱۳۸۹ حدود ۲/۸ درصد کاهش یافته است (این نرخ از ۵/۸ به ۳ درصد رسیده است) و در سال ۱۳۹۱ با کاهش شدید به ۶/۸– درصد[1] رسیده است. بنابراین بخش اعظم کاهش نابرابری در دو سال مذکور می‌تواند نتیجه تحولات تولید ناخالص داخلی در دوره مذکور تلقی گردد.

یادآوری می‌گردد که شکاف درآمدی (هزینه‌ای) تنها شامل نابرابری هزینه‌هاست و عواملی نظیر انواع ثروت و دارایی‌ها به‌دلیل عدم وجود آمار و اطلاعات در کشور در این زمینه مدنظر قرار نگرفته است.

## ۷. روش‌شناسی تحقیق

در این مقاله با استفاده از آمارهای هزینه درآمد خانوارهای مناطق شهری کشور طی سال‌های (۱۳۹۱–۱۳۴۹) و با استفاده از تکنیک همجمعی[2] تلاش می‌شود که روابط و ساختار بلندمدت متغیرهای شکاف درآمدی با برخی متغیرهای اقتصاد کلان مورد بررسی قرار گیرد. ساختار کلی مدل طی دوره مذکور به‌صورت زیر فرض شده است:

$$dyn1 = f(gdpp, rcpi, yarap, llp, twip, U) \qquad (۶)$$

که در آن، dyn1: نسبت مجموع هزینه سرانه گروه‌های ۸، ۹ و ۱۰ به مجموع هزینه سرانه گروه‌های ۱، ۲ و ۳ در مناطق شهری (شکاف درآمدی)، gdpp: تولید ناخالص داخلی سرانه هزار ریال به قیمت بازار (ثابت ۱۳۷۶)، rcpi: نرخ تورم در مناطق شهری به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶،

۱. بر اساس برآورد اولیه بانک مرکزی نرخ رشد اقتصادی در سال ۱۳۹۱ حدود ۵/۸– بوده است، اما در تحقیقات صورت‌گرفته در نرخ رشد ارزش‌افزوده بخش کشاورزی از ۶/۳ به ۳/۴ درصد در سال مذکور توسط این بانک نرخ رشد اقتصادی در سال ۱۳۹۱ به ۶/۸– درصد رسیده است.

2. Co Integration

[ Downloaded from qjfep.ir on 2026-09-09 ]

yarap: یارانه سرانه هزار ریال به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶، llp: تعداد شاغلین سرانه (هزار نفر)، twip: مالیات ثروت سرانه هزار ریال به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۷۶ و U جمله اخلال می‌باشد. برای آزمون اثر متغیرهای مستقل بر شکاف درآمدی (هزینه‌ای) از مدل لگاریتم خطی به شرح ذیل استفاده گردیده است:

$$L(dyn1) = a_0 + a_1 + L(gdpp) + a_2 L(rcpi) + a_3 L(yarap) + a_4 L(llp) + a_5 L(twip) + e \quad (۷)$$

از آنجایی‌که هیچ‌یک از متغیرهای فوق ایستا نیستند با استفاده از روش ریشه واحد مرتبه آنها مشخص شده است. با توجه به اینکه تمام متغیرهای مذکور با یک دیفرانس ایستا شده‌اند، بنابراین می‌توان از سطح متغیرهای مذکور در روش همجمعی برای برآورد استفاده نمود. این روش از شیوه‌ای سود می‌جوید که در آن اثر متغیرهای مستقل را بر سطح متغیر وابسته در بلندمدت نشان می‌دهد. نتایج بردار همجمعی برای شکاف درآمدی (هزینه‌ای) در کشور به‌شرح زیر می‌باشد:

$$L(dyn1) = -۵۲+ ۹/۰۲\, L(gdpp) + ./۴۶\, L(rcpi) -./۵۸\, L(yarap) -۱۲ L(llp) - ۱/۹۲\, L(twip) \quad (۸)$$

(۵/۷) (۰/۹۴) (۰/۲۱) (./۱۷) (۱/۹) (۰/۱۶)

Log Likelihood= ۱۲۲ n= ۱۳۵۹ -۱۳۹۱

اعداد داخل پرانتز انحراف معیار ضرایب مربوطه می‌باشند.

## ۸. نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات

بر اساس برآورد فوق افزایش تولید ناخالص داخلی سرانه و نرخ تورم، افزایش شکاف درآمدی (هزینه‌ای) را طی دوره مطالعه فراهم می‌سازد، اما افزایش یارانه سرانه، مالیات ثروت سرانه و اشتغال در کاهش نابرابری مؤثرند، به این صورت که یک درصد افزایش در تولید ناخالص داخلی سرانه به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶ به‌طور متوسط در بلندمدت موجب افزایش ۹ درصد در شکاف درآمدی (هزینه‌ای) شده است (به شرط ثابت بودن سایر عوامل). نتیجه مذکور نشان‌دهنده این مطلب است که افزایش تولید در کشور (رشد اقتصادی) طی دوره مورد مطالعه نه‌تنها نتوانسته است نسبت مجموع هزینه سرانه ۳ گروه بالای درآمدی (هزینه‌ای) به مجموع هزینه سرانه ۳ گروه پایین درآمدی (هزینه‌ای) را کاهش دهد،

[ Downloaded from qjfep.ir on 2026-09-09 ]

بلکه موجب افزایش شکاف مذکور شده است. به عبارت دیگر، این فرضیه که رشد اقتصادی به‌تنهایی می‌تواند شکاف درآمدی را در کشور کاهش دهد رد شده است. به هر حال، سیاست‌های اعمال‌شده در جهت افزایش رشد تولید ناخالص داخلی سرانه نتوانسته است موجبات کاهش اختلاف بین گروه‌های بالای درآمدی (هزینه) با گروه‌های پایین درآمدی (هزینه) را فراهم آورد. همچنین افزایش یک درصد در نرخ تورم به‌طور متوسط شکاف درآمدی (هزینه‌ای) را حدود ۰/۵ درصد افزایش خواهد داد (به شرط ثابت بودن سایر عوامل).

پرداخت‌های انتقالی دولت (یارانه کالاهای اساسی و پرداخت نقدی یارانه‌ها) طی سال‌های گذشته با تمام مشکلات، کاستی‌ها و هدفمند نبودن آن توانسته است از شدت شکاف درآمدی (هزینه‌ای) بکاهد، به طوری‌که یک درصد افزایش در یارانه سرانه به‌طور متوسط موجب کاهش حدود ۰/۶ درصد در شکاف درآمدی (هزینه‌ای) شده است (به شرط ثابت بودن سایر عوامل).

افزایش اشتغال نیز از عوامل کاهش‌دهنده سطح شکاف درآمدی (هزینه‌ای) در جامعه است، به طوری‌که یک درصد افزایش در اشتغال جامعه به‌طور متوسط موجب کاهش حدود ۱۲ درصد در شکاف درآمدی (هزینه‌ای) شده است. در نهایت افزایش یک درصد در مالیات‌های ثروت سرانه به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶ به‌طور متوسط شکاف درآمدی (هزینه‌ای) را حدود ۲ درصد کاهش داده است.

با عنایت به برآوردهای به‌دست آمده از این تحقیق کاهش نرخ رشد تولید ناخالص داخلی سرانه طی سال‌های (۱۳۹۱-۱۳۹۰) (نرخ رشد تولید ناخالص داخلی سرانه در سال ۱۳۹۱ حدود ۶/۸- بوده است) موجب کاهش نابرابری شده است، بنابراین از آنجایی‌که انتظار می‌رود با رفع برخی مشکلات در کشور سیاست‌های باثبات‌تری در اقتصاد کلان توسط دولت جدید دنبال گردد، نتیجه آن در چند سال آینده تغییر جهت نرخ رشد اقتصادی از منفی به طرف مثبت خواهد بود. در این شرایط با توجه به ساختار اقتصاد ایران (سطوح پایین تولید در کشور) انتظار می‌رود که نابرابری در سال‌های آینده افزایش یابد، بنابراین در وهله اول می‌بایست در ترسیم اهداف اقتصادی برای تنظیم قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی کشور این موضوع که دستیابی به نرخ رشد اقتصادی بالا به‌همراه کاهش ضریب‌جینی با مشکلاتی مواجه خواهد شد مدنظر قرار گیرد. ضمن اینکه برای کند کردن افزایش شکاف درآمدی (هزینه‌ای) در کوتاه‌مدت می‌بایست برای انتخاب استراتژی‌ها جهت افزایش نرخ رشد تولید ناخالص داخلی سرانه به مقوله شکاف درآمدی (هزینه‌ای) توجه بیشتری

[ Downloaded from qjfep.ir on 2026-09-09 ]

مبذول گردد. به عبارت دیگر، با استفاده از تکنولوژی‌های کاربر به‌جای سرمایه‌بر می‌توان روند افزایش شکاف درآمدی (هزینه‌ای) را تا حدودی کنترل و اصلاح نمود.

یکی از عوامل افزایش شکاف درآمدی (هزینه‌ای) افزایش نرخ تورم می‌باشد، بنابراین اعمال سیاست‌های مناسب پولی و مالی (کنترل و ضابطه‌مند نمودن نرخ رشد نقدینگی و بودجه جاری دولت) برای کنترل و کاهش نرخ تورم از ضروریات جامعه کنونی ماست.

از آنجایی‌که عرضه‌کنندگان نیروی کار اغلب از سطوح پایین و متوسط جامعه می‌باشند (گروه‌های بالای درآمدی معمولاً با استفاده از سرمایه و دارایی‌ها و به‌کارگیری نیروی کار جامعه به کسب درآمد می‌پردازند، بنابراین اتخاذ شیوه‌هایی جهت استفاده بیشتر از نیروی کار به‌جای سرمایه در تولید کالا و خدمات می‌تواند شکاف درآمدی (هزینه‌ای) را تا حدودی کاهش دهد.

با عنایت به هرم سنی جمعیت کشور و انبوه جوانان تحصیل‌کرده وآماده‌کار و نزدیک به آماده‌کار لزوم توجه جدی به امر اشتغال در کشور و راهکارهایی جهت افزایش رشد اشتغال در کوتاه‌مدت و بلندمدت ضروری به‌نظر می‌رسد.

یکی از اهداف اخذ مالیات کاهش شکاف درآمدی (هزینه‌ای) می‌باشد. بر اساس نتایج به‌دست آمده از برآورد فوق طی ۴ دهه گذشته اخذ مالیات بر ثروت شکاف درآمدی (هزینه‌ای) را کاهش داده است. یادآوری می‌گردد که برخی گروه‌های مرفه جامعه از پرداخت مالیات طفره می‌روند. به هر حال، افزایش اخذ مالیات بر ثروت از گروه‌های مرفه جامعه می‌تواند یکی از مهم‌ترین اهداف دریافت این مالیات را محقق سازد، بنابراین تغییر در قوانین مربوط به مالیات بر ارث و ثروت در این زمینه می‌تواند مؤثر واقع گردد. تصویب اصلاحات صورت‌گرفته در لایحه ارسالی مربوط به قانون مالیات‌های مستقیم از سوی دولت به مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۹۱ می‌تواند آثار این متغیر اقتصاد کلان را بر توزیع درآمد مؤثرتر نماید.

[ Downloaded from qjfep.ir on 2026-09-09 ]

## منابع


ابونوری، اسماعیل (۱۳۷۶)، "اثر شاخص‌های اقتصاد کلان بر توزیع درآمد در ایران"، *مجله تحقیقات اقتصادی*، شماره ۵۱.

اسلامی، سیف‌الله (۱۳۷۹)، "بررسی یارانه و خط فقر"، *فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، شماره ۴، سال ۸ معاونت امور اقتصادی، زمستان.

اسلامی، سیف‌الله (۱۳۸۱)، "اثرسیاست‌های حمایتی دولت بر نابرابری"، همایش چالش‌ها و چشم‌اندازهای توسعه ایران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، اسفندماه.

اسلامی، سیف‌الله (۱۳۸۲)، "چگونگی بهبود و توزیع یارانه‌های پرداختی کشور در راستای حمایت از اقشار آسیب‌پذیر"، چاپ اول، معاونت امور اقتصادی، انتشارات پایگان.

اسلامی، سیف‌الله (۱۳۸۵)، "اثر برخی از متغیرهای اقتصاد کلان بر توزیع درآمد"، همایش اقتصاد ایران در گام نهم، وزارت امور اقتصادی ودارایی، مردادماه.

اسلامی، سیف‌الله (۱۳۸۹)، "بررسی تحقق اهداف برنامه پنجم توسعه پیرامون توزیع درآمد"، همایش برنامه پنجم توسعه، مجلس شورای اسلامی، خردادماه.

اسلامی، سیف‌الله (۱۳۹۰)، "نگرشی اقتصادی بر جنبش ضد وال‌استریت"، *مجله اقتصادی*، شماره‌های ۷ و ۸ سال ۱۱، مهرماه.

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، *خلاصه تحولات اقتصادی کشور طی سال‌های مختلف*.

بهشتی، محمد و رضا صدیق (۱۳۸۵)، "آزمون موتور رشد کالدور در اقتصاد ایران در دوره (۱۳۷۹-۱۳۳۸)"، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران*، شماره ۲۸، پاییز.

ژاک، لوکایون (۱۳۷۳)، *بررسی تحلیلی توزیع درآمد و توسعه اقتصادی*، ترجمه احمد اخوی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی (۱۳۷۷)، *تعیین خط فقر مطابق با رویکرد فقر نسبی*.

شیانی، ملیحه (۱۳۸۱)، "شهروندی و رفاه اجتماعی"، *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال اول، شماره ۴.

طباطبایی‌زواره، حمیدرضا (۱۳۷۰)، *بررسی آثار اقتصادی تداوم یا حذف یارانه*، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.

عادلی، محمدحسین و علی رنجبرکی (۱۳۸۴)، "بررسی رابطه بلندمدت بین رشد اقتصادی و توزیع درآمد در ایران"، *فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی*، شماره ۱۸، پاییز.

عجم‌اوغلو، دارون و جیمز ای، رابینسون (۱۳۹۳)، *چرا ملت‌ها شکست می‌خورند، ریشه‌های قدرت، ثروت و فقر*، ترجمه میردامادی و نعیمی‌پور، انتشارات روزانه، ص ۱۷۵.

قره‌باغیان، مرتضی (۱۳۹۰)، *اقتصاد رشد و توسعه*، جلد ۱، تهران: نشر نی.

مرکز آمار ایران، *هزینه، درآمد خانوارهای شهری و روستایی طی سال‌های (۱۳۹۱-۱۳۴۹)*.

مؤسسه پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه (۱۳۷۹)، *وسعت و شدت فقر*، اردیبهشت‌ماه.

نصفت، مرتضی (۱۳۷۴)، *اصول و روش‌های آماری*، جلد اول، چاپ ۹، ص ۸۶.

نیلی، فرهاد (۱۳۷۸)، "رشد اقتصادی و توزیع درآمد"، *مجله برنامه و بودجه*، شماره‌های ۳۸ و ۳۹.


[ Downloaded from qjfep.ir on 2026-09-09 ]

نیلی، مسعود و علی فرحبخش (۱۳۷۷)، "ارتباط رشد اقتصادی و توزیع درآمد"، *مجله برنامه و بودجه*، شماره‌های ۳۴ و ۳۵.

نیلی، فرهاد (۱۳۷۵)، "رشد اقتصادی، توزیع درآمد و رفاه اجتماعی در سال‌های (۱۳۷۲-۱۳۶۱)"، *مجله برنامه و بودجه*، شماره ۱.

ویلی برگستروم (۱۳۷۸)، *دولت و رشد*، ترجمه علی حیاتی، سازمان برنامه و بودجه، چاپ اول.

Aghion, Philippe & Patrick Bolton (1997), "A Theory of -Down Growth and Development", *The Review of Economic Studies*, Vol. 64, No. 2, Apr.

Aghion, Philippe & Peter W. Howitt (1998), "Endogenous Growth Theory", MIT January.

Allegretto, Sylvia (2011), "The State of Working America's Wealth through Volatility and Turmoil", The Gap Widens.

Biewen, Martin (2000), "Income Inequality in Germany during the 1980 and 1990", *Journal of the International Association for Research in Income and Wealth,* No. 1, P. 17, March.

Chossudousky, Michael (1997), "Author of the Globalisation of Poverty", Impacts of IMF and World Bank Reforms, Zed Book, London.

Edward N. Wolff (2010), "Recent Trends in Household Wealth in the United States: Rising Debt and the Middle-Class Squeeze".

Kimberly, Amadeo (2011), "History of Recessions in the United States", Sep 24.

Klaus, Deininger & lyn Squire (1996), "Economic Growth and Income Inequality", *World Bank Economic Review*, Vol, 10, September.

Kuznetes, S. (1955), "Economic Growth and Income Inequality", PP. 7-18.

North, D., Wallis, J. J. & B. Weingas (2009), "Violence and Social Orders: A Conceptual Framework for Interpreting Recorded Human History", NewYork: Cambridge University Press.

Saint-Paul, Gilles & Thierry Verdier (1996), "Inequality, Redistribution and Growth: A Challenge to the Conventional Political Economy Approach", *European Economic Review*, Vol. 40.

Sarel, Michael (1997), "How Macro Economic Factors Affect Income Dixtribution: The Cross-Ountry Evidenes, Internation: The Cross-Ountry Evidencs", Imternation Monetary Fund, November.

The World Bank Group (2000), "The Effect of Growth on Distribution", June.

The Congressional Budget Office (2001), "Historical Effective Tax Rates (1979-1997)", Preliminary Edition, May.

[ Downloaded from qjfep.ir on 2026-09-09 ]

[ Downloaded from qjfep.ir on 2026-09-09 ]